

مؤلف از کتاب طلیعة العلوم خود استخراج کرده است. نسخه‌ای از این رساله در کتابخانه مجلس (همان، ۳۸۶/۱۹ - ۳۸۷) نگهداری می‌شود و نسخه دیگری از آن با عنوان التقاط طلیعة العلوم در کتابخانه دانشکده حقوق تهران (حقوق، ۴۳۱) موجود است.

۵. اسطرلاب مسطح، رساله‌ای است به فارسی درباره خصوصیات اسطرلاب. نسخه‌هایی از آن در تهران و مشهد موجود است (شورا، ۳۶۸/۱۹؛ مرکزی، خطی، ۳/(۲) - ۸۳۰ - ۸۳۱؛ فاضل، ۱۵۵۲/۳ - ۱۵۵۳) و نیز نسخه‌های دیگر در مشهد (آستان قدس، ۲۱۶/۱۰ - ۲۱۷) و تهران (مرکزی، میکروفیلما، ۱۰/۱) با عنوان رساله در اسطرلاب معرفی شده است. این رساله را آقابزرگ (۳۵/۱ - ۳۶) و مدرس (۹۴/۷) و منزوی (۲۳۴/۱ - ۲۳۵) با عنوان آغاز و انجام آورده‌اند.

۶. انتخاب حل التقویم، در یک مقدمه و یک مقاله و یک خاتمه. نسخه‌هایی از آن در تهران (شورا، ۶۱/۲؛ مرکزی، خطی، ۶۲۱/۱۶) موجود است و نیز نسخه‌هایی دیگر در مشهد (آستان قدس، ۵۱/۳) به نام منتخب حل التقویم و در تهران با عنوانهای مختصر حل التقویم و لمعات در حل تقویم (مرکزی، میکروفیلما، ۲۷/۲؛ مرکزی، خطی، ۱۴/۱۶) نگهداری می‌شود.

۷. انیس الاطباء، به فارسی، بخشی از یک کتاب پزشکی است در طب نظری و طب عملی. نسخه‌ای از آن در بانکپور (بانکپور، XI/20) موجود است.

۸. رساله در هیأت، به فارسی، قدیم‌ترین نسخه آن در تهران است (مرکزی، خطی، ۶۲۱/۱۶).

۹. رساله فی حساب القمر، در یک صفحه. نسخه‌ای از آن در تهران (همان، ۱۰۲۲/۹) و مشهد (آستان قدس، ۲۵۲/۱۰) موجود است.

۱۰. زبدة (فی) الصرف، رساله کوتاهی است به عربی در صرف و اشتقاق که مؤلف از بستان الادب اقتباس کرده و دو نسخه از آن در شیراز (بهروزی، ۱۶۱/۱ - ۱۶۲، ۱۳۵/۲ - ۱۳۶) وجود دارد.

۱۱. شرح رساله هیأت، شرحی است بر رساله هیأت علاءالدین علی قوشچی (د ۸۷۹ق / ۱۴۷۴م) که در این شرح ابوالخیر بر وی خرده گرفته است. نسخه‌ای از آن در تهران (شورا، ۲۸۶/۱۹ - ۲۸۷) موجود است.

۱۲. طالع‌نامه. نسخه‌ای از آن در مشهد (آستان قدس، ۵۰/۳) نگهداری می‌شود.

۱۳. معرفة سمت القبلة، رساله‌ای است به عربی در شناخت جهت قبله. نسخه‌هایی از آن در مشهد (همان، ۲۱۸/۱۰ - ۲۱۹) موجود است و نسخه‌هایی دیگر در تهران (شورا، ۳۶۸/۱۹) با عنوان قبله و همچنین در مشهد (آستان قدس، ۲۴۳) با عنوان الدائرة الهندية وجود دارد.

آقا بزرگ (۱۹/۸) نیز دو نسخه با همین عنوان اخیر معرفی کرده است. ۱۴. مغنی صغیر، رساله در نحو. یک نسخه از آن در مشهد (آستان قدس، ۳۶۷/۱۲ - ۳۶۸) موجود است.

ابوالخیر فارسی، تقی‌الدین محمد بن محمد (د بعد از ۹۵۷ق / ۱۵۵۰م)، منجم، ریاضی‌دان، ادیب، عالم به پزشکی و شاعر شیعی متخلص به فهیمی. در برخی از منابع، نام او محمد تقی یاد شده است (آقابزرگ، ۶۷/۷). وی در شیراز می‌زیسته است (نفیسی، ۳۸۶/۱). از سال تولد و زادگاهش اطلاعی در دست نیست و آگاهی از زندگی و چگونگی تحصیلات او بسیار اندک است. او نزد میرصدرالدین محمد دشتکی شیرازی (م ۹۰۳ق / ۱۴۹۸م) و فرزندش میرغیاث‌الدین منصور دشتکی (د ۹۴۸ق / ۱۵۴۱م) به فراگیری دانش پرداخت (نک: آقا بزرگ، ۱۰/۲).

ذکر تألیفات او در الذریعه و نیز شیوة بیان وی درباره ائمة شیعه، تنبیح او را نشان می‌دهد (نک: همانجاها؛ امین، ۴۰۶/۹).

تاریخ درگذشت ابوالخیر در دست نیست، اما از آنجا که او در اسامی العلوم خود از علامه خفزی (د ۹۵۷ق) با عبارت «رحمة الله علیه» یاد می‌کند (آقا بزرگ، ۹/۲)، می‌توان گفت که تا سال ۹۵۷ق زنده بوده است و اینکه نفیسی (همانجا) و فاروقی (ص ۴۱) تاریخ کتابت مختصر طلیعة العلوم وی را (۹۷۹ق / ۱۵۷۱م) سال تألیف این اثر دانسته‌اند، درست نیست (نک: شورا، ۴۱۷/۴).

آثار:

الف - جایی: ۱. آداب السلطنة، رساله‌ای است به زبان فارسی در آداب سلطنت و وزارت که در ۱۳۴۵ ش در نشریه دانشکده ادبیات اصفهان (شم ۲ و ۳) به کوشش ع. فاروقی به چاپ رسیده است؛ ۲. حل التقویم، در نجوم و هیأت و گاه شماری به فارسی. ابوالخیر این رساله را در ۹۱۷ق به نام استاد خود غیاث‌الدین منصور تألیف کرد. این اثر در ۱۳۴۹ ش در فرهنگ ایران زمین (ج ۱۷)، به کوشش تقی بینش به چاپ رسیده است.

ب - خطی:

۱. احکام الاحکام، رساله‌ای است در نجوم به فارسی که برگزیده‌ای از برهان الکفایه علی بن محمد شریف بکری است (آقا بزرگ، ۲۹۱/۱ - ۲۹۲). نسخه‌ای از این اثر با عنوان رساله فی شرح الطالع و احکامه در قاهره (دارالکتب، ۲۴۲/۱) و نیز نسخه‌ای به نام گزیده برهان الکفایه در تهران (مرکزی، خطی، ۹۳۴/(۲)۳) موجود است که با توجه به موضوع آنها می‌توان گفت که این دو اثر همان احکام الاحکام است.

۲. اسامی العلوم واصطلاحاتها، به فارسی، در فضیلت علم، حکمت، آداب تعلیم و تعلم، اخلاق و معارف (آقا بزرگ، ۹/۲ - ۱۰).

۳. طلیعة العلوم، به عربی. آقا بزرگ (۱۸۰/۱۵) آن را خلاصة اسامی العلوم می‌داند. این اثر در تعریف موضوعات علوم و شرح اصطلاحات آن است و قدیم‌ترین نسخه آن، با تاریخ کتابت ۹۷۹ق، در تهران، کتابخانه مجلس (شورا، همانجا) موجود است.

۴. خلاصة طلیعة العلوم، رساله مختصری است به عربی در علوم ادبی، تفسیر، تصوف و طریقت، حکمت، اخلاق، ریاضیات و قافیه که

ج - آثار یافت نشده: ۱. بستان‌الادب، در ۱۲ فن ادبی: لغت، صرف، اشتقاق، نحو، معانی و... (امین، همانجا)؛ ۲. بیست و چهار باب در اسطرلاب (آقابزرگ، ۱۸۹۱/۳)؛ ۳. تقریر التحریر، در ریاضی که احتمالاً تقریری از تحریر اصول اقلیدس نصیرالدین طوسی است (قربانی، ۲۰۲) و شاید همان تهذیب الاصول اوست؛ ۴. تهذیب الاصول، که تحریر اصول اقلیدس است (نک: امین، همانجا)؛ ۵. دلیل السائرین، در شناخت فاصله شهرها (نک: شورا، ۱۳۸۶/۱۹)؛ ۶. صحیفه النور فی الحکمة، درباره اصول اقلیدس و مجسطی (حاجی خلیفه، ۱۰۷۶/۲).

ماخذ: آستان قدس، فهرست: آستان قدس ف، فهرست: آقا بزرگ، التریفة: امین، محسن، اعیان‌الشیعة، بیروت، ۱۹۸۳م؛ بهروزی، علی‌نقی و محمدصادق فقیری، فهرست کتب خطی کتابخانه ملی فارس، شیراز، ۱۳۵۱ ش؛ حاجی‌خلیفه، کشف حقوق، خطی؛ دارالکتب، خطی فارسی؛ شورا، خطی؛ فاروقی، ع، کتاب آداب السلطنة، نشریه دانشکده ادبیات اصفهان، اصفهان، ۱۳۴۵ ش، س ۲، ش ۲ و ۳؛ فاضل، محمود، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه جامع گهرشاد مشهد، مشهد، ۱۳۶۷ ش؛ قربانی، ابوالقاسم، زندگی‌نامه ریاضیدانان دوره اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش؛ مدرّس، محمدعلی، رباعه‌الادب، تبریز، ۱۳۲۶ ش؛ مرکزی، خطی؛ مرکزی، میکروفیلمها؛ منزوی، خطی؛ نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، ۱۳۲۴ ش؛ نیز: Bankipore.

سیدمحمدرضا فاضل هاشمی

ابوداود سجستانی، سلیمان بن اشعث بن اسحاق بن بشیر ابن شداد بن عمرو بن عمران ازدی (۲۰۲-۲۷۵ ق/ ۸۱۷-۸۸۸م)، محدث و گردآورنده سنن، سومین کتاب از صحاح سته در حدیث. نسبت سجستانی و گاه سجزی (ابوعوانه، ۱۹۱/۱) که غالباً با کتبه او همراه است، نشان می‌دهد که خاندان او در سیستان بوده‌اند. صاحب تاریخ سیستان (ص ۱۹) از ابوداود در شمار رجال سرشناس آن دیار یاد کرده است و انتساب او به «سجستان»، قریه‌ای ناشناخته در حومه بصره (نک: یاقوت، ۴۴/۳)، گفته‌ای به پایه است.

وی به قبیله ازد نسب می‌برد و وجود نامهای اصیل عربی در سلسله نسب او حکایت از آن دارد که تباری عربی داشته است. گفته شده است که عمران نیای پنجم او در جنگ صفین در رکاب حضرت علی (ع) شرکت جست و در همان جنگ کشته شد (ابن ماکولا، ۲۹۵/۱). چگونگی انتقال این خاندان به سیستان دانسته نیست، ولی می‌دانیم که آنان در سیستان املاکی داشتند که بعدها برای ابوداود و فرزندان او بزر جای مانده بود (نک: ذهبی، ۲۱۷/۱۳، به نقل از حاکم نیشابوری).

دانسته‌های ما درباره دو دهه نخستین از زندگی ابوداود نسبتاً اندک است. گزارشی از حاکم نیشابوری حکایت از آن دارد که ابوداود در آغاز تحصیل خود در شهر هرات سکنی داشت و در آنجا به فراگیری حدیث روی آورد (ابن عساکر، ۵۴۶/۷؛ ذهبی، ۲۱۲/۱۳-۲۱۳). حاکم در همان گزارش به نقل از ابواسحاق فقیه آورده که او پیش از سفر خود به عراق، در هرات مقیم بوده است (ابن عساکر، ۵۴۷/۷). این دو گزارش که هرات را به عنوان منشأ و موطن

دوم ابوداود مطرح می‌کند، با عبارتی از خود ابوداود تأیید می‌شود، چه او از داشتن خویشاوندانی نزدیک در خراسان سخن می‌گوید که بر مذهب مرجئه بوده‌اند و وی با آنان مکاتبه داشته است (مسائل، ۲۷۶). باید افزود که احمدبن محمدبن یاسین هروی نیز در تاریخ هرات از ابوداود، ظاهراً به عنوان یکی از رجال منتسب به هرات، یاد کرده است (نک: سبکی، ۲۹۵/۲).

در میان مشایخ دیرین سیستانی که ابوداود از آنان بهره جسته است، یحیی بن فضل سجستانی را می‌توان نام برد (نک: ابوداود، سنن، ۱۳۱/۱)، ولی به هیچ روی نمی‌توان اطمینان یافت که دیدار آن دو در سیستان بوده است. به گزارش حاکم نیشابوری (نک: ابن عساکر، ۵۴۶/۷)، وی در یکی از نخستین سفرهای علمی خود، به نیشابور گام نهاد و توانست از اسحاق بن راهویه محدث بزرگ خراسان و مشایخ دیگری چون عبدالله بن جراح قهستانی دانش آموزد (نک: مزنی، ۳۵۹-۳۵۶/۱۱؛ ابوداود، همان، ۱۷۱/۳). او در این دوره با فرزندان ابن راهویه همدرس بود (یاقوت، همانجا) و در ۲۳۸ ق به هنگام وفات ابن راهویه در نیشابور حضور داشت (خطیب، ۴۶۵/۹).

افزون بر هرات و نیشابور، ابوداود در این سالها به برخی دیگر از شهرهای خراسان درآمد و از محیط علمی آنها بهره جست: در بغلان بلغ از قتیبه بن سعید، محدث بزرگ، حدیث نوشت (ذهبی، ۲۱۳/۱۳) و از دیگر عالمان بلخی چون یحیی بن موسی و محمدبن ابان نیز استماع کرد (نک: ابوداود، همان، ۱۹۷/۱، ۲۶۳). حجم روایات او از قتیبه در سنن نشان از اهمیت این مقطع از تحصیل وی در بلغ دارد. در میان شیوخ ابوداود، نام شماری از محدثان اهل مرو و طالقان خراسان نیز دیده می‌شود که در طبقه رجالی قتیبه بن سعید بوده‌اند (نک: مزنی، همانجا؛ ابوداود، همان، ۲۶۹/۱، ۱۹۱/۳).

ابوداود چندسالی پیش از ۲۲۰ ق برای استماع از شیوخ ری وارد آن دیار شد و به ویژه از ابراهیم بن موسی تیمی بهره برد (ذهبی، همانجا). از دیگر شیوخ رازی متقدم او می‌توان ابو حصین ابن یحیی، محمدبن مهران بزاز، محمدبن عمرو و احمدبن ابی سریق را نام برد (نک: ابوداود، همان، ۵۵/۱، ۸۳، ۸۴، ۳۷/۲).

ابوداود در ۲۲۰ ق راهی عراق شد و در بغداد تنها یک مجلس، مصاحبت ابو عمر حفص بن عمر ضریر (د ۲۲۰ ق) را درک کرد (خطیب، ۵۶/۹) و در همان اوان در مراسم خاک‌سپاری عفان بن مسلم در بغداد شرکت جست (همانجا). درنگ او در بغداد بسیار کوتاه بود و به زودی راه بصره را در پیش گرفت. او در رجب ۲۲۰، فردای روز وفات عثمان بن هُشیم مؤذن، در بصره حضور داشت (نک: همانجا). در روایتی به نقل ابو عبید آجری از خود ابوداود، گزارش کوتاهی از فعالیت تحصیلی او در این دوره و از حضور وی در بصره داده شده و گفته شده که وی استماع از جمعی از مشایخ کهن سال بصره را از دست داده بوده است؛ با این حال وی توانسته بود از برخی مشایخ متقدم بصره چون مسلم بن ابراهیم ازدی و عاصم بن علی استماع کند